رسنده و ملهوفان قال الله تعالی وامرت لاعدل بینکم   عالم یعنی دانا بعلوم توحید و رسوم تجرید و تفرید قال الله تعالی فاعلم انه لا اله
الا الله   عابد یعنی پرستنده ذو العظمة والکبریاء نا بدکبریا و شایبه ریا قال الله تعالی واعبد ربک حتی یاتیک الیقین   عفو یعنی درگذرنده
جرایم جانیان   صفوح یعنی تجاوز کننده از بی حرمتیهای طاغیان قال الله تعالی فاعف عنهم واصفح ای عزیز بعد ما که آنحضرت
رقم عفو و صفح بر صفحات خطیات گنه کاران کشیده اگر در عقبی برشحات ینابیع شفاعت ارقام آثام از جراید اعمال مجرمان امت بشوید
عجب نیست   در حشر که عاصیان با ناله و آه   از شرم گنه سوی تو آرند پناه   دریای شفاعت تو گر موج زند   اندر عدم افتد خس خاشاک
گناه   قاضی یعنی فرماینده حکم بر موجب حکم سابق قال الله تعالی اذا قضی الله ورسوله امرا   قایم یعنی قیام کننده بفرمان داور
امت بحجت و برهان قال الله تعالی قم فانذر   مومن یعنی بکلمات تامات قرآنی و باور دارنده آیات بینات فرقانی قال الله تعالی
یؤمن بالله وکلماته   مسلم یعنی گردن نهنده اوامر سبحانی و تسلیم کننده دل بقبضه مشیت ربانی قال الله تعالی فقل اسلمت وجهی لله
مبین یعنی روشن کننده اسرار شریعت و هویدا سازنده اسرار طریقت قال الله تعالی رسولنا یبین لکم   مبعوث یعنی فرستاده
شده به بهترین امتی در بهترین بقعه قال الله تعالی بعث فی الامیین رسولا   مبلغ یعنی رساننده احکام ربانی بکافه اقاصی و ادانی قال الله
بلغ ما انزل الیک   متبع یعنی ازپی رونده احکام وحی و متابعت کننده آثار امر و نهی قال الله تعالی واتبع ما اوحی الیک من ربک
متبتل یعنی منقطع به از خویش و بدل از بیگانه و خویش قال الله تعالی وتبتل الیه تبتیلا   متقی یعنی پرهیز کننده از ما
سوی قال الله تعالی یا ایها النبی اتق الله   متوکل یعنی بازگذارنده مهمات بوکیل کرم قاضی الحاجات قال الله تعالی فتوکل علی الله
انک علی الحق   متهجد یعنی قیام کننده در شبها و لیالی بوظایف عبادات حضرت لایزالی قال الله تعالی ومن اللیل فتهجد به
نافلة لک   مجیر یعنی زنهار دهنده تا تامل کند در معانی کلام اله قال الله تعالی فاجره حتی یسمع کلام الله   مجاهد یعنی جهاد کننده
با اهل شقاق و مبذول دارنده جهد در دفع اهل کفر و نفاق قال الله تعالی جاهد الکفار والمنافقین   مجتبی یعنی برگزیده از رسل
برای هدایت طالبان یا قوم سبل قال الله تعالی یجتبی من رسله من یشاء   محرض یعنی تهییج کننده مبارزان میدان کار
میدان محاربه کفار قال الله تعالی حرض المؤمنین علی القتال   محل الطیبات یعنی حلال کننده چیزها پاک   محرم الخبائث یعنی
حرام سازنده ناپاکیها قال الله تعالی ویحل لهم الطیبات ویحرم علیهم الخبائث   محدث یعنی حدیث کننده بنعمت الهی و خبر دهنده
از رحمت نامتناهی قال الله تعالی واما بنعمة ربک فحدث   محفوظ یعنی نگاه داشته شده از آفات قال الله تعالی یحفظونه
من امر الله و این قول جمعی از مفسران است   مختار یعنی اختیار کرده شده برای اعلای اعلام احکام فتوت قال الله تعالی وربک
یخلق ما یشاء ویختار   مرتضی یعنی پسندیده برای اطلاع بر اسرار غیب و توقف بر رموز لاریبیه قال الله تعالی
ترتیلا   مزکی یعنی پاک کننده امت از آلایش قبایح یا ستاینده ایشان بانواع مدایح قال الله تعالی ویزکیهم   مستقیم یعنی
ثابت بر منهج راستکاری بالتزام طریقه پرهیزکاری قال الله تعالی فاستقم کما امرت   مستغفر یعنی طالب آمرزش الهی از
ملاهی و مناهی قال الله تعالی واستغفر لذنبک وللمؤمنین والمؤمنات ای عزیز چون طلب غفران بحکم الهی از حضرت رسالت

واقع شد

رفع شده بی شبه مطلوب حاصل خواهد بود و از سحاب عاطفت ربانی باران مغفرت بر مزارع امانی امیدواران آن زمان باران خواهد شد
بیت: قطره ز ابر رحمت تو بس است : شستن نامه سیاه همه : مستعید یعنی پناه جوینده بخدای جهان در وقت قراءت آیات
قرآن قال الله تعالی فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله   مسبح یعنی یاد کننده ذو الجلال والاکرام قال الله تعالی وسبحه لیلا طویلا
مستحیی یعنی موصوف بصفت حیا قال الله تعالی فیستحیی منکم   مصطفی یعنی رقم اصطفا یافته برای رسالت و برگزیده از خلقان بدعوت
و بلاغت قال الله تعالی الله یصطفی من الملائکة رسلا ومن الناس   مصلی یعنی دعا کننده اهل زکوة و رفع آفات و کثرت برکات قال الله
وصل علیهم ان صلوتک سکن لهم   مطهر یعنی پاک کننده دیوان هفوات باخذ صدقات و زکوة قال الله تعالی خذ من اموالهم
صدقة تطهرهم   معصوم یعنی نگاه داشته شده بعصمت رحمن از آفات و مخافات اهل عدوان قال الله تعالی فلما جاءهم ما عرفوا
معروف یعنی شناخته شده بفضایل حکم از انبیا و علما امم قال الله تعالی والله یعصمک من الناس   معرض یعنی روی گرداننده
از اهل شرک و نفاق و ارباب خلاف و شقاق قال الله تعالی واعرض عن المشرکین   معلم یعنی آموزگار طالبان لطایف تعلیم
دهنده مستفیدان درسگاه عوارف قال الله تعالی ویعلمهم الکتاب والحکمة   مغفور یعنی آمرزش یافته از حضرت قدم از گناهان
ما تاخر و ما تقدم لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک وما تاخر   مفضل یعنی بتفضیل یافته بر انبیا و بفضیلت برگذشته از اصفیا قال
الله تعالی فضلنا بعضهم علی بعض   مقیم الصلوة یعنی بپای دارنده مراسم نماز و آگه کننده آن بحصول آل مؤمنان قال الله تعالی
فاقمت لهم الصلوة   مقاتل یعنی کارزار کننده با اهل کین بحجت اعلاء کلمه دین قال الله تعالی فقاتل فی سبیل الله لا تکلف الا نفسک
مکبر یعنی یاد کننده خدا از کبریا حضرت باری بابزرگی و بزرگواری قال الله تعالی وکبره تکبیرا   منصور یعنی از حق نصرت
یافته و آفتاب فتح مبین از افق نصر عزیز بر وی تافته قال الله تعالی وینصرک الله نصرا عزیزا   منبی یعنی آگاه کننده خدا از آیات و
روز معاد قال الله تعالی نبئ عبادی   مؤید یعنی قوت داده شده بظهور جنود غیبی و ورود فیض لاریبی قال الله تعالی وایده بجنود
لم تروها   واعظ یعنی پند دهنده بمواعظ ناجحه و نصایح نافعه قال الله تعالی وعظهم وقل لهم فی انفسهم قولا بلیغا   واضع یعنی
بردارنده اثقال تکالیف از گردن امت ضعیف قال الله تعالی ویضع عنهم اصرهم و در رفع اوزار و تخفیف آثار این امت دو سه
کلمه در خاتمه سوره بقره بسمع رضا یافته و در آن باب گفته اند بیت   حق تعالی برای امت تو : کرد برضای حضرت تو : بار تکلیف
شرع را آسان : که سبکبار برود انسان : داد شان در عمل گرانسانی : تا بمانند در همه آسانی   لمعه ثانیه در اسامی آنحضرت که بحروف
ث بت شده و آنچه ازین قسم بنظر فقیر رسیده سی اسم است   ماحی یعنی محو کننده ظلمت کفر و انکار و زداینده زنگار نفاق از آینه
روزگار انا الماحی الذی یمحو الله بی الکفر   عاقب یعنی از پی درآینده سالکان مسالک جلالت و آنکه بدو ختم شد باب نبوت
و رسالت انا العاقب والعاقب الذی لیس بعده نبی   مقفی یعنی همین معنی عاقب ... گفته اند تبع کننده آثار انبیا
پسندیده   حاشر یعنی کسی که بعرصه محشر حاضر گردد و حشر همه مردمان بعد از حشر وی بود   نبی التوبه یعنی نماینده راه توبه
تباه روزگاران   نبی الرحمة یعنی گشاینده درهای بخشش و مهربانی بر تهی دستان بازار امانی و آرزومانی و این چهار اسم

Copyright © King Saud University